

## نگاهی به فرهنگ املائی خط فارسی\* (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

هاشم بناءپور  
 مترجم و ویراستار

آمده است که «نواب شمس  
 الحکمای نامدار، همه روز به مطالعه  
 کتب عبری و لاتینی و یونانی اشتغال  
 داشت. هر مضمون خوش و نکته  
 دلکشی که می‌دید، بر ورقه‌های  
 چهارگوش بریده و دسته‌دسته بر روی  
 هم چیده، می‌نوشت. چون یک دسته  
 ورقه تمام می‌شد، مرا وامی‌داشت تا به  
 ترتیب به مفتول‌های سیمین می‌کشیدم  
 که به اندازه مخصوص بریده و مدور  
 ساخته بود. یک مفتول که پر میشد،  
 یک جلد کتاب بود. پس بنا می‌کردیم  
 به تبییض آن. چه کتاب‌های بد که  
 نساختیم. ماهی نمی‌گذشت که دست کم  
 دو کتاب نسازیم. در حال چاپخانه راه  
 می‌افتاد. دیدنی تر اینکه این مجموعه‌ها  
 به جای تألیفات تازه خرج می‌شد. اگر  
 احیاناً کسی بدین «غارتگر تألیفات»  
 مردم اعتراضی می‌کرد، با غرور تمام  
 جواب می‌داد که «ما افلاطون را هم  
 پشم می‌دانیم.»»

\* علی‌اشرف صادقی و زهرا زندی‌مقدم،  
 فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور  
 خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب  
 فارسی (تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی،  
 ۱۳۸۵)، ۶۱۹ ص.

داستان از این‌جا شروع می‌شود که گروه دستور زبان و خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصمیم می‌گیرد که کلمات رایج فارسی امروز را از فرهنگ سخن، فرهنگ فارسی صدری افشار و حکمی و فرهنگ املائی شادروان دکتر شعار استخراج کنند، و کلماتی که در این فرهنگ‌های مأخذ نبوده است از روزنامه‌ها و سایر نشریات به مجموعه فوق بیفزایند. در مقدمه، به عمد یا به سهو، عناوین مجله‌ها و روزنامه‌ها را نیاورده‌اند، و این ایراد بسیار مهمی است که خوانندگان ندانند که کدامیک از نشریات اساس کار علمای فرهنگستان بوده است. به‌هرحال، بنا به نوشته علی اشرف صادقی، «سپس این مجموعه را با قواعد دستور خط فارسی و با قواعد دستوری که به قول مؤلف تعداد انگشت‌شماری می‌توانند آن قواعد را حفظ کنند، منطبق میکنند!»

در این عبارت چند مسئله مشهود است. اولاً علی اشرف صادقی وانمود می‌کند که او و همکارانش حافظ این قواعدند؛ ثانیاً به نوعی خود را دانای کل نشان می‌دهد و از دید دانای کل و با توسل به غیب‌گویی، مخاطبان کتاب تحقیر می‌شوند! این گونه سخن گفتن به محیط‌های محفلی اختصاص دارد نه آکادمیک.

عملیات به این صورت ادامه می‌یابد: کمیسیون محدودی تشکیل می‌شود و از اعضای آن در این‌باره نظرخواهی می‌کنند. می‌آورند که: «به علت عجله‌ای که در چاپ کتاب در پیش بوده، از آوردن آوانویسی کلماتی که در خط فارسی تلفظ دقیق آنها مشخص نمی‌شود، مانند رو (row, ru) و نظایر آن صرف‌نظر می‌شود.» همچنین بنا به ادعای مؤلف، قرار بوده است در برابر هر مدخلی قاعده‌ای که ضبط مدخل براساس آن قاعده در دستور خط انتخاب شده است، با ذکر شماره صفحه و بند دستور خط فارسی ذکر شود. به سبب شتاب در کار چاپ کتاب، آن را به چاپ بعد موکول کرده‌اند!

نخست اینکه عجله برای چاپ چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا اصلاً فرهنگستان یا هر اهل علمی این حق را دارد که کتابی ابتر عرضه، و این کار را به بهانه «عجله برای چاپ» توجیه کند؟

دوم اینکه آیا می‌توان کمبودها و ایرادات بسیاری را که بر کتاب وارد است، با تئوری شتاب توجیه کرد و همه چیز را به آینده حواله داد؟

سوم اینکه وقتی خودتان اذعان می‌کنید که اثر را این گونه به بازار عرضه کرده‌اید، به چه حقی به همه مؤسسات و ناشران دولتی و خصوصی با شیوه‌های خاصی دستور صادر می‌فرمایید که این فرهنگ را اساس کار خود قرار دهند؟

چهارم اینکه، آنگاه که این کتاب نبود، آیا نویسندگان و ویراستاران و مترجمان و شاعران همه دست از کار کشیده بودند و منتظر این فرهنگ املائی بودند؟ آیا اهل علم در نوشتن آب اماله، آفتابه، معمع و بع‌بع دچار تردید و ابهام بودند؟

در اینجا به دیگر اشکالات کتاب فهرست‌وار اشاره می‌کنم. این اشکالات به دو دسته تقسیم می‌شود: قسمت اول: ایرادهایی ساختاری که به کل کتاب وارد است؛ قسمت دوم به اشکال‌های فراوان مفهومی و ویرایشی که به مقدمه کتاب مربوط می‌شود. ای کاش مسئولان فرهنگستان مقدمه را به ویراستاری حرفه‌ای می‌سپردند تا نوشته‌ای آبرومندتر از کار در می‌آمد.

۱. اشکال ساختاری: این کتاب را می‌شد در ۱۰۰ صفحه چاپ کرد، نه ۶۰۰ صفحه. حتی در کتاب‌های اکابر و نهضت سوادآموزی هم از این حروف درشت و در ۳ ردیف و با فاصله زیاد استفاده نمی‌کنند.  
 ۲. در صفحه ۱۷، شماره ۱۲ درباره اختصارات و علامت‌ها توضیحاتی آمده است، در حالی که در همه فرهنگ‌ها این علائم را در صفحه‌ای مشخص در قالب جدولی نشان می‌دهند. خواننده در این صورت می‌تواند فلسفه و معنا و مفهوم علائم قراردادی را به سهولت بفهمد.  
 ۳. در پاره‌ای موارد واژه‌هایی آمده که نامفهوم است:

مبدائی (ص ۵۱۹) ستون دوم؛

منشائی (ص ۵۴۱) ستون اول.

۴. در مقدمه کتاب آمده است که سه نوع فاصله وجود دارد: عدم فاصله، نیم‌فاصله، یک فاصله (ص ۱۱). البته بهتر بود می‌نوشتند: بی‌فاصله به جای عدم فاصله. اما عجیب این است که در اکثر صفحه‌های کتاب این فاصله‌های مصوب را رعایت نکرده‌اند. حتماً سطر اول مقدمه را بررسی کنید و بعد بقیه کتاب را.  
 ۵. در مقدمه آمده است: «برای نوشتن کلمه آسمان سه صورت «آسمان»، «اسمان» و «اسمان» در متن‌ها دیده می‌شود» (ص ۵)، در حالی که باید چنین نوشته می‌شد: برای نوشتن کلمه آسمان دو صورت دیگر «اسمان» و «اسمان» در متن‌ها دیده می‌شود. ثانیاً آسمان به صورت اسمان و اسمان در متن‌های قدیم دیده می‌شود و ربطی به متون معاصر ندارد.  
 ۶. کلماتی مثل رؤیا، رؤیالود، رؤیانگیز و... تکلیفشان مشخص نشده است که بالاخره این‌ها با همزه نوشته شوند یا بدون همزه.

۷. مورد عمل واقع شود و مواردی از این قبیل، بی‌فاصله و به قولی درهم آمده است. در واقع به نظر می‌آید که یک کلمه است. فلسفه این کار چه بوده است؟

۸. واژه‌هایی چون اخلاص‌مند، اخلاص‌مندی و اخلاص‌مندانه و ... به دو شیوه آمده است. یعنی گفته‌اند که هم می‌توان این‌ها را سر هم نوشت و هم جدا.

پرسش: آیا فلسفه وجودی این کتاب ارائه شیوه‌ای واحد نیست تا آن هرج و مرجی که در رسم‌الخط شاهد آنیم، اندکی سامان‌مند شود؟ مشکل اینجاست که علی‌اشرف صادقی و همکارانش به کاری که انجام می‌دهند اصلاً آگاهی ندارند؛ مثل مترجمی که متنی را ترجمه می‌کند، اما نمی‌داند این متن فلسفی است یا معماری یا کشاورزی. چرا درباره کلمه آسمان به نکته واحدی می‌رسند، ولی در خصوص دیگر واژه‌ها و اصطلاحات توافقی حاصل نمی‌شود؟ گره کار کجاست؟

اصل قضیه در اینجاست که آقایان یا اطلاعاتی درباره فلسفه زبان ندارند، یا قادر به تحلیل اندوخته‌های علمی و زبانی خود نیستند و عادت به کتاب‌سازی سد راه دید و جهان‌بینی آنان شده است. زبان، خود قراردادی بیش نیست و هر قراردادی لغوپذیر است. اگر اعتباری بودن زبان را بپذیریم، تغییر و ایجاد یکدستی در آن به کار بسیار ساده‌ای تبدیل می‌شود.

۹. «و کسره یا ۱ کوتاه به ترتیب بعد از صامت اول...» (ص ۶ سطر ۸).

پیشنهاد: و کسره یا ۱ کوتاه به ترتیب به بعد از صامت اول.

۱۰. «غلط‌گیری‌های خودکار در چاپ‌های رایانه‌ای» (ص ۷، سطر آخر).

پیشنهاد: در چاپ بعدی کتاب حتماً درباره این جمله شرحی آورده شود. امیدوارم محفل ادب فرهنگستان این جمله را تأویل کنند، زیرا همان‌طور که باب اجتهاد باز است باب تأویل هم مفتوح است.

۱۱. در صفحه ۱۱، سطر ۸ آمده است: «در این جلسات حفظ کلی اصول دستور خط پیشنهاد فارسی».

پیشنهاد: ... حفظ اصول کلی دستور ... درست است.

۱۲. در صفحه ۱۵، سطر ۱۰ چنین آمده است: «در دستور خط فارسی درج شده و به املائی آن.»

پیشنهاد: بر املائی آن به جای «به املائی» آن پسندیده است.

۱۳. یاد جایی از مقدمه آمده است که: «هشتقات مختلف هر ریشه به ترتیب ذیل همان ریشه آمده است.»

پیشنهاد: به ترتیب در ذیل همان ریشه آمده است، منطقی می نماید نه «به ترتیب ذیل».

۱۴. در صفحه ۸ و سطر ۴ آمده است: «پیشنهادات».

پیشنهاد واژه‌های فارسی است، پس منطقی است که با «ها» جمع بسته شود. البته پیشنهادات غلط نیست، اما وقتی کتابی منسوب به فرهنگستان است، نباید از این گونه مسامحه‌ها در آن دیده شود.

۱۵. یا در صفحه ۸، سطر ۶ آمده است: «تیزهای میرم اصلاح خط فارسی.»

پیشنهاد: باید نوشته می شد نیاز میرم به اصلاح خط فارسی ...

۱۶. در صفحه ۸ و سطر ۱۶ آمده است: «بعضی متخصصان خارج از فرهنگستان برای تصمیم‌گیری...»

پیشنهاد: به جای «برای تصمیم‌گیری»، بهتر بود می نوشتند در تصمیم‌گیری.

۱۷. «در فرهنگستان بخشی با نام گروه دستور زبان و خط فارسی تشکیل شد» (ص ۸).

باید می نوشتند: در فرهنگستان بخشی به نام ...

۱۸. «و آن به صورت کتاب مستقل از ...»

بهتر بود مینوشتند: و آن را به صورت کتابی مستقل از ...

۱۹. «تا آنجا که امکان دارد ...» (ص ۱۰).

پیشنهاد: تا آنجا که ممکن است.

۲۰. در صفحه ۱۲ چنین می خوانیم: «ولی در مواقع دیگری که کل فعل مرکب یک واحد معنایی

ساخته است، مانند نگه داشتن ...»

پیشنهاد: ولی در مواقع دیگر کل فعل مرکب یک واحد معنایی ساخته باشد ...

از ذکر موارد مشابه که بسیار است، خودداری می کنم. اگر به نقد این کتاب پرداختم، به این دلیل نبود که این فرهنگ ارزش نقد دارد، بلکه به این دلیل است که بسیاری از مؤسسات این کتاب پرغلط را به ویراستاران و اهل قلم تجویز میکنند. این کتاب، ارزش کتاب مرجع را ندارد و بهتر است به همان فرهنگ املائی جعفر شعار یا به لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ بزرگ سخن، فرهنگ فارسی صدری افشار بسنده شود.

ممکن است علی اشرف صادقی و همکاران در چاپ‌های سپس‌تر این اشکالات را برطرف سازند و کتابی منقح بیرون دهند. به رئیس فرهنگستان توصیه می‌کنم این کتاب را در میان ناشران خصوصی یا نیمه‌دولتی به مزایده بگذارند، شاید کتاب آبرومندی به بازار عرضه شود و بودجه فرهنگستان بی‌جهت صرف نشود. نیز توصیه می‌کنم فرهنگ املائی جعفر شعار را حتماً خودشان بررسی کنند، زیرا خواهند دید که شعار زمانی به این کار همت گماشته، که کامپیوتر وارد عرصه نشر نشده بود، و سی-چهل نفر آینه به دست دور بر ایشان نبودند، و حاصل کار ایشان و بزرگانی چون علامه دهخدا، عمید و معین به مراتب آکادمیک‌تر از کار کسانی است که از همه گونه امکانات و تجهیزات برخوردارند، اما حاصل کارشان در حد کار یک نسخه‌پرداز یا ویراستار معمولی هم نیست.